



آموزش کودکان، راهی برای نهادینه شدن گردشگری

حمیرا محب‌علی

شیراز، علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رئیس بنیاد علوم انسانی

روزانه حدود ۳۰۰ هزار نفر در دنیا متولد می‌شوند. این رقم به این معنی است که ۳۰۰ هزار کودک به دنیایی پای می‌گذارند که در آن و از همان بدو تولد نیازمند حمایت و مراقبت و رفاه هستند.

حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، حقوقی است که کودک باید برای رشد و ارتقا از آن بهره‌مند باشد. کودک حق دارد در زمان کودکی، یعنی زمانی که شخصیت‌اش در حال شکل‌گیری است، در حد توانش، خود و محیط اطرافش را درک کند و هویتش را بشناسد.

گردشگری و حقوق کودک

پیمان‌نامه حقوق کودکان (مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد - ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹) در ماده ۱ خود، کودک را فردی می‌داند که زیر ۱۸ سال سن داشته باشد و البته بر اساس ماده ۲ این پیمان‌نامه در تعریف کودک، جنسیت، سن،

مذهب، ملیت و سلامت کودک مهم نیست. البته در ملل و ادیان مختلف، تعاریف متعددی از کودک وجود دارد اما به دلیل اتفاق نظر جهانی تعریف بین‌المللی آن را برگزیده‌ایم. حتی وقتی کودکی از لحاظ جسمی یا ذهنی معلول است، باید از یک زندگی کامل و محترمانه در شرایطی که متضمن منزلت و افزایش اتکا به نفس او باشد، برخوردار شود.

گردشگری به‌واسطه لمس مستقیم زندگی در فراسوی زندگی معمول، فرصت‌های بسیاری را برای ذهن کنجکاو و حساس کودک فراهم می‌کند تا بتواند بسیار بیشتر از والدینی که او را همراهی می‌کنند، آموزش ببیند و یا در ذهن خود، تأثیرات شگرف ایجاد کند.

فضاهای سفر برای کودکان، بسیار بیش‌تر از بزرگ‌ترها با تأثیرات عمیق همراه است. تأثیراتی که شاید به ظاهر ساده به نظر برسد اما عمیق و ریشه‌دار است و این را در خاطرات پس از سفر کودکان می‌توان یافت. هر اتفاق کوچکی در

کودکی، از لمس یک سنگ گرفته تا دویدن و زمین خوردن در دامنه یک کوه، از دیدن یک پشه تا دیدن یک پلیکان و... حتی خوردن غذا در یک فضای جدید یا خرید یک وسیله در مقصد مورد نظر که برای کودک تازگی دارد، آن‌قدر تا مدت‌ها و حتی سال‌های سال، خاطرات زیبایی برای کودک بر جای می‌گذارد که همیشه، حتی در بزرگسالی هم با همان هیجان کودکی قابل وصف است. اتفاقی که هرگز در تجربه‌های بزرگسالی تکرار نمی‌شود.

خاطرات ناب و اتفاقات بی‌بدیل در سفرهای دوران کودکی اگر در قالب گردشگری کودکان، شکلی تعریف‌شده و نه تصنعی و محدودکننده به خود بگیرد، راهکاری برای نجات از بسیاری از گم‌گشتگی‌های بزرگسالی است. از طرفی، کودکی که در خردسالی، تجربه سفرهای هدفمند را نداشته باشد در بزرگسالی نیز با تمام علایق و سلایقی که دارد کمتر می‌تواند به‌عنوان یک گردشگر فردی باشد که با هدف به سفر برود، مقصد را بشناسد، محیط را درک کند، بر اساس

رضا وثوقی





کودکان در تعاریف گردشگری

سازمان جهانی گردشگری در تعریف گردشگری و گردشگر، شرط سنی قابل نیست. بنابراین، کودکان هم می‌توانند بخشی از جامعه گردشگری یا گردشگران محسوب شوند؛ اگرچه نیاز به همراهی بزرگ‌ترها دارند. اما آیا این که بتوان گردشگری کودک را به‌عنوان شاخه‌ای از گردشگری به حساب آورد، مبحثی است که نیاز به تأمل بیشتری دارد. پیدایش شاخه‌های گردشگری به شکلی که در مراجع و منابع مربوط به این رشته به روی کاغذ آمده و در تقسیم‌بندی‌های گردشگری جای گرفته است بر اساس شاخصه‌های زیر شکل می‌گیرد:

۱- به طور معمول نوع و خصوصیات مقصد است که گردشگری را به شاخه‌های مجزا تفکیک می‌کند، نه نوع گردشگر.

۲- نوع تجربه تدریجی در بازدید از مکان‌هایی خاص، در نهایت شکل خاصی از گردشگری را پدید می‌آورد.

۳- نیاز، انگیزه، گرایش به بازدید از مکان‌هایی خاص با خصوصیات مشترک، نوع گردشگری را تعیین می‌کند.

بنابراین اگر تقسیم‌بندی گردشگری را بر اساس نوع مقصد در نظر بگیریم، گردشگری کودک در مقوله تقسیمات گردشگری نمی‌گنجد اما اگر در کنار برخی از شاخه‌های مفهومی تر مثل گردشگری جوانان، گردشگری سالمندان و ... یا به عبارتی تقسیم‌بندی بر اساس نوع گردشگر قرار دهیم، آن وقت گردشگری کودک را می‌توان به‌عنوان شاخه‌ای از گردشگری به حساب آورد. یک جست‌وجوی نه‌چندان طولانی در سایت‌های علمی روز دنیا در خصوص گردشگری کودک و حتی در سایت سازمان جهانی گردشگری، به وضوح نشان می‌دهد که مرجع مناسبی در خصوص گردشگری کودک به صورت مقاله، کتاب و یا بحث‌های تخصصی وجود ندارد. در واقع، گردشگری کودک موضوعی کاملاً نوپا و جدید است که نیازمند توجه ویژه است. پیش از پرداختن به اهمیت گردشگری کودک نگاهی به تعاریف زیر می‌اندازیم:

در خصوص تعریف گردشگری دو دانشمند به نام‌های میل و موریسون در سال ۱۹۹۲، بهترین تعریف را (از نظر نگارنده این سطور) از گردشگری ارائه داده‌اند: گردشگری به مجموعه فعالیت‌هایی اطلاق می‌شود که در جریان مسافرت یک گردشگر اتفاق می‌افتد. این فرایند شامل هر فعالیتی از قبیل برنامه‌ریزی سفر، مسافرت به مقصد، اقامت، بازگشت و یادآوری خاطرات می‌شود. همچنین فعالیت‌هایی را که گردشگر به‌عنوان بخشی از سفر انجام می‌دهد، نظیر خرید کالا‌های مختلف و تعامل میان میزبان و مهمان را نیز در بر می‌گیرد.

تعریف گردشگر: سازمان جهانی گردشگری (UNWTO) برای دستیابی به یک انسجام جهانی در تعریف گردشگر در سال ۱۹۹۱ در کنفرانسی در اتاوا، کانادا، تعریف مشخصی از گردشگر ارائه داده است که مفهوم آن این است: گردشگر فردی است که حداقل یک شب در محلی که سفر کرده است می‌ماند و حداکثر پیش از رسیدن زمان سالگرد خروج از مبدأ به موطن خود باز می‌گردد و هدفش چیزی غیر از دریافت مزد است.

در هر دوی این تعاریف هیچ نکته‌ای وجود ندارد که نشان دهد گردشگری کودک مفهومی قابل ارائه نیست. در واقع، تمامی موارد ذکر شده در تعریف گردشگری، با کودکی منافات ندارد چراکه کودکان نیز می‌توانند گردشگر محسوب شوند و در تعریف گردشگر نیز شرط سنی لحاظ نشده است.

کودکان در سفرهای خانوادگی

سفرهای خانوادگی، سفرهایی است که گاه کودکان در شکل‌گیری آن نقش مهمی دارند. به‌طور معمول میزان رضایت یک کودک از یک سفر گروهی، می‌تواند سرنوشت سفر را برای مابقی اعضا گروه، خوب یا بد تعریف کند. این موضوع در شرایط فرزند سالاری امروز برای همه قابل لمس است. اما توجه به چند نکته در اجرای سفرهای خانوادگی اهمیت دارد:

سفر نوعی مکاشفه است برای همه افراد حتی اگر به مقصدی چندین بار سفر



شکاه علوم انسانی و مطالعات
رتال جامع علوم انسانی

کنیم. در سفر تغییر اتفاق می‌افتد و تغییر می‌تواند فرصت‌های خوبی را برای کشف چیزهایی جدید و یا شکل‌گیری احساسات جدید در اختیار گردشگر قرار دهد. برای کودکان، این مکاشفه، سطحی‌تر اما تأثیر گذارتر است چراکه بسیاری چیزها را برای بار نخست تجربه می‌کنند و تجربه هر اتفاقی برای بار نخست می‌تواند سرنوشت گرایش و تمایل به آن رخداد را گاه تا آخر عمر برای کودک رقم بزند.

از طرفی سفر در تعریف گردشگری هم تمام مراحل برنامه‌ریزی تا مرور خاطرات را شامل می‌شود. بنابراین مسیر در سفر، بخشی جدایی‌ناپذیر از سفر است. به طور کلی، دو گروه از مسیر، به‌عنوان بخشی از سفر لذت می‌برند. گروه اول، گردشگران عاشق سفر هستند و گروه دوم کودکانی که مسیر سفر و حتی نوع استفاده از وسیله نقلیه برایشان از هیجان بسیار برخوردار است و در بیشتر موارد با همان حس تجربه‌های نخستین همراه است.

این نخستین تجربه‌ها است که فرصت خوبی را برای بزرگ‌ترها ایجاد می‌کند تا در برنامه‌ریزی‌های خود، به آموزش‌های غیرمستقیم به کودکان فکر کنند.

آمادگی پیش از سفر برای کودکان

کشف اتفاقات جدید در سفر برای کودک همیشه با سوالات بسیاری همراه است. کودکان از پیش از ترک خانه، معمولاً پرسش‌هایی کودکانه دارند: کجا می‌رویم؟ برای چه می‌رویم؟ با چه کسانی می‌رویم؟ کجا اقامت می‌کنیم؟ چه می‌خوریم؟ چه چیزی با خود بیاورم؟ آن‌جا، برای من چه می‌خرید؟

اگرچه پرسش‌های کودکان با این مفاهیم، ساده به نظر می‌رسد اما تمام این پرسش‌ها در حوزه گردشگری قابل پاسخ و قابل تعریف هستند و می‌توان طوری به کودکان پاسخ داد که بسیاری از ندانسته‌ها را یاد بگیرند. برای این منظور و پیش از سفر باید:

- به پرسش‌های کودکان احترام بگذاریم و پاسخ‌هایی بدهیم که دور از واقعیت

نباشد و ذهن کودک را برای پرسش‌های بیش‌تر آماده کند.

- قبل از سفر به کودکان بیاموزیم که سفر به مجموعه فعالیت‌هایی اطلاق می‌شود که از مرحله تصمیم برای سفر تا بازگشت به خانه و یادآوری خاطرات را شامل می‌شود و کودک در تمام این مراحل حق دارد به تمامی کنج‌کاوی‌هایش با نظارت بزرگ‌ترها پاسخ دهد.

- به کودک بگوییم، جایی که به آن سفر می‌کنیم کجاست. چه آب و هوایی دارد و در آن آب و هوای خاص چگونه باید از خود مراقبت کنیم.

- به کودک بگوییم جایی که به آن سفر می‌کنیم کجای نقشه ایران یا جهان قرار دارد و نشان دهیم که در سفر چه قدر از شهر خود فاصله می‌گیریم. کودکان معمولاً نقشه را دوست دارند، اگرچه مقیاس را نمی‌شناسند و گاه نقشه را اصلاً نمی‌فهمند اما همین نشناختن و درک نکردن هم به آن‌ها کمک می‌کند که بدانند در سفر به نقشه نیاز است. از طرفی داشتن نقشه برای آن‌ها حس خوبی از بزرگ شدن به همراه دارد.

- تصویری واقعی از مقصد به کودک بدهیم. مثلاً این که جایی که به آن سفر خواهیم کرد جنگلی است یا کویری است، کوهستانی است یا ساحلی است و ...

- به کودک بگوییم که احتمالاً چه نوع جانورانی در آن محیط زندگی می‌کنند. چه گیاهانی در آن محیط وجود دارد و خصوصیت آن‌ها چیست؟ چه پرندگانی را ممکن است ببینیم و ...

- به کودکان بگوییم جایی که به آن سفر می‌کنیم چه مردمانی دارد. چگونه زندگی می‌کنند، با چه لهجه‌ای صحبت می‌کنند.

- به کودکان بیاموزیم که تفاوت‌های بین زندگی و محیط زندگی مردمی که به شهر یا محل زندگی آن‌ها سفر می‌کنیم بسیار قابل احترام است و ما حق نداریم کسی را به خاطر این تفاوت‌ها سرزنش یا مسخره کنیم و یا به آن‌ها بخندیم. به آن‌ها بیاموزیم که این تفاوت‌ها بسیار با ارزش است و اگر این تفاوت‌ها نبود سفر فایده‌ای نداشت.